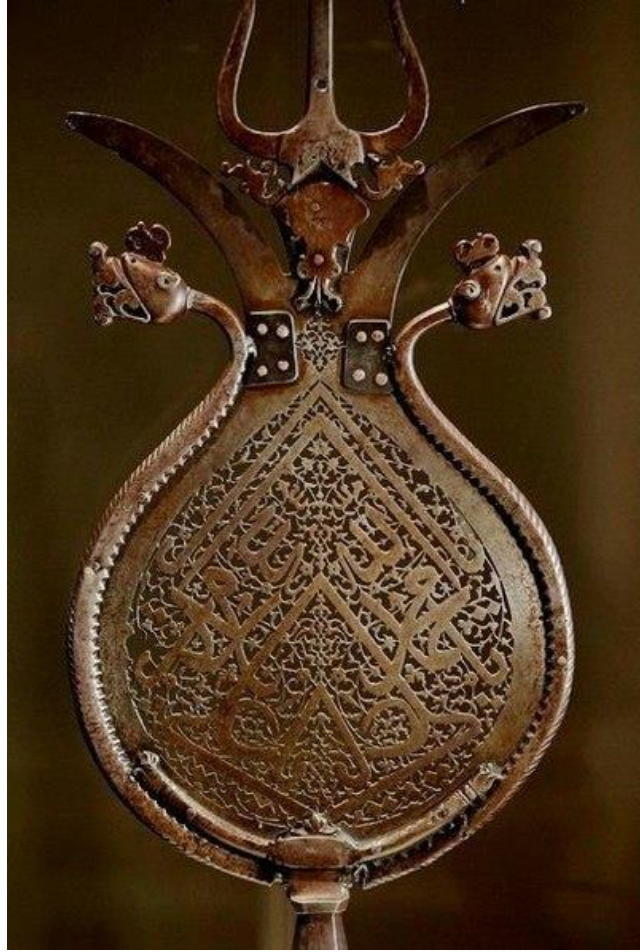


# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مروری گذرا بر تاریخ معاصر اسماعیلیان  
آسیای میانه



نویسنده: داکتر نصرالدین شاه (پیکار)

تورنتو - کانادا

مارچ 2015



## مروری گذرا بر تاریخ پر فراز و فرود معاصر اسماعیلیان آسیای میانه

### فهرست مطالب

- **باب اول:** ظهور اسماعیلیان در تاریخ جامعه بشری
- اسماعیلیان و بازی های بزرگ ابر قدرت های سده نهم
- اسماعیلیان آسیای میانه در سده بیستم
- نقش داعیان اسماعیلی در سده های میانه در سرزمین خراسان بزرگ
- دوران فاطمیان
- یکپارچه سازی دعوت اسماعیلی
- جهاد سامانیان بر علیه قرامطه
- گسترش دعوت به رودبار الموت
- قرامطیان در خراسان و ماوراءالنهر
- ابو یعقوب سجستانی
- دولت اسماعیلی سند، ۳۴۷ هـ. ق. / ۹۵۸ م
- حمیدالدین کرمانی
- درز میان نزاریان و مستعلویان در ۴۸۷ هـ. ق. / ۱۰۹۴ م
- دوران الموت
- مأموریت حسن صباح
- تثبیت مجدد هویت ایرانی توسط حسن صباح
- گسترش نفوذ الموت در سرزمین ایران
- آغاز نزاع بین سلجوقیان و اسماعیلیان در ۴۸۴ هـ. ق. / ۱۰۹۱ م.:
- استراتژی ضد سلجوقی حسن صباح
- پیامدهای انشقاق نزاری و مستعلوی
- عقب نشینی و تثبیت نیروی بعدی نزاری
- اعلام قیامت در سال ۵۵۹ هـ. ق. / ۱۱۶۴ م
- انحطاط و فروپاشی سلجوقیان
- چنگیزخان و تأثیر هجوم مغولان
- سقوط الموت در سال ۶۵۲ هـ. ق. / ۱۲۵۶ م.:
- سده های نخستین پس از الموت
- درز میان شاخه های محمدشاهی و قاسم شاهی

- نزاریان قهستان و بدخشان
- رونق دوباره انجدان
- سازماندهی مجدد دعوت توسط قاسم شاهیان
- عقاید فلسفی و تصور آفرینش در ادبیات اسماعیلیسم:
- تصور و بینش حدود دین در اسماعیلیسم
- سفر تاریخی مشنری سبزعلی، به آسیای میانه

### باب دوم : پسمنظر تاریخی و چالش های زمانی اسماعیلیان افغانستان

- اسماعیلیان افغانستان در زمان غزنویان، غوریان و سلجوقیان
- سلجوقیان، سلاجقه، یا آل سلجوق
- روابط خواجه نظام الملک و اسماعیلیان
- شیوه های زندگی خواجه نظام الملک
- شخصیت حکیم ناصر خسرو، بازتاب نوای طغیان، تنهایی و تبعید.
- نظام آفرینش شعری ناصر خسرو
- مختصری پیرامون سفرنامه ناصر خسرو
- سیستم و نظام محاسبات و بانکداری در آثار ناصر خسرو
- تداخل ژرف گونه در سیاق جامع الحکمتین
- شخصیت تاریخی و عقیدتی امام علی(ع) در آثار ناصر خسرو
- اصطلاحات واژگانی اسماعیلیسم در آثار ناصر خسرو
- نقش پیر ناصر خسرو در میان اسماعیلیان آسیای میانه
- پیشرفتهای جدید در پژوهشهای اسماعیلی در جهان مدرن
- نقش داعیان اسماعیلی خراسان در گسترش بینش نو افلاطونیسم و اسماعیلیسم
- ابوالمعالی ابن اسد، شخصیت همکار و یار حجت خراسان
- پسمنظر تاریخی ناحیه شغان
- جغرافیای بشری امروز اسماعیلیان افغانستان

### باب سوم : اسماعیلیان مناطق مرکزی افغانستان، چالش ها و تفاوت ها

- گونه‌پذیری نهاد های جماعتی و امامت در افغانستان

- مک‌های مناطق مرکزی افغانستان در زمان زمامداران و حاکمان گذشته
- وضعیت فرهنگی و جهان‌بینی مدرن و امروز اسماعیلیان افغانستان
- صدمه فرهنگی طالبان به اسماعیلیان و میراث مکتوب و غیر مکتوب افغانستان
- افغانستان و آغاز فصل نو برای اسماعیلیان ، کامگاری ها و چالش ها

## باب چهارم : فرآیند دعوت اسماعیلی در علاقه‌جات شمالی پاکستان

- آغاز دعوت اسماعیلی در مناطق ناهمگون شمال پاکستان
- دعوت اسماعیلی در علاقه چترال (چترار)
- فرآیند آغاز دعوت اسماعیلی در گلگت
- حضور و نقش حکمران‌های اسماعیلی در گلگت
- فرآیند انتشار زمانی و مکانی اسلام در هونزا
- فرآیند دعوت اسماعیلی در هونزا
- حضور حسین شاه اردبیلی در هونزا و علل ناکامی دعوت اسماعیلی
- حضور سید یاقوت شاه خان به منطقه هونزا و فرآیند دعوت اسماعیلی
- داعی سید عبدالحمید، و دعوت اسماعیلی در هونزای سفلی، "شینه" :
- نقش خانواده شاه کلان در گسترش دعوت اسماعیلی در "غزر"
- حضور سید عبدالصمد شاه به علاقه جات شمالی و دعوت اسماعیلی
- پیام امام سلطان محمد شاه به جماعت بدخشان و شمال پاکستان
- میر هونزا نماینده امام در قیادت جماعت علاقه جات شمالی و آسیای میانه
- تشریف‌آوری امام زمان، شاه کریم الحسینی، به شمال پاکستان
- انفاذ نخستین آئین‌نامه اسماعیلی برای جماعت آسیای میانه

**باب پنجم :** اسماعیلیان نزاری چین، پس‌منظر تاریخی و زمان معاصر

**باب ششم :** بازتاب شخصیت ناصر خسرو در آثار سایر مکاتب فکری

- تداخلی در سیاق و محتوای فلسفی جامع الحکمتین
- اصطلاح واژگانی اسماعیلیسم در آثار ناصر خسرو
- عقلی و باطنی بودن کیش و آئین اسماعیلیسم
- مراتب بینش دعوت در اسماعیلیسم
- دانش و خرد در اشعار فردوسی و ناصر خسرو
- سیاق و محتوای قرآن و تأویل آن از دیدگاه ناصر خسرو
- توجه خاص اسماعیلیه به قرآن و تأویل آن
- بینش عقلی و باطنی بودن در شیرازه فکری اسماعیلیسم
- سفارش‌های قرآن ، فهم و تأویل گسترده آن از دید اسماعیلیان
- دیدگاه معتزله پیرامون بینش و تصور آفرینش
- جبر و اختیار از دیدانداز معتزله و ناصر خسرو
- جبر و اختیار از دیدانداز ناصر خسرو و دیگران
- فراز و فرود مناسبات فاطمیان و غزنویان
- علل مخالفت غزنویان با برقراری رابطه با فاطمیان
- مخالفت عباسیان در برقراری مناسبات میان غزنویان و فاطمیان
- نفی اتهام وابستگی به فاطمیان
- دوری فاطمیان از مناطق غزنویان
- از زمان غزنویان الی اسماعیلیان
- بینش زوال نظام های متخاصم در کلام " فرخی سیستانی و ناصر خسرو
- بینش ناصر خسرو در مورد زوال حاکمیت های متخاصم و جابر

## باب اول: ظهور اسماعیلیان در تاریخ:

بعد از وفات حضرت امام جعفر صادق (ع)، 148 هـ، 765 م، پیروان او به دو قسمت تقسیم شدند. قسمتی از آنها به پسر بزرگش اسماعیل پیوستند، که به اسماعیلیان و نیز شیعه "سبعیه" یا هفت امامیه معروف شدند، زیرا اسماعیل را امام هفتم میدانند. (علی، حسن، حسین، علی زین العابدین، محمد باقر، جعفر صادق و اسماعیل)، و دسته دیگر، به موسای کاظم، برادر کوچک اسماعیل و فرزندان او تا امام دوازدهم گرویدند، و ایشان همان موسویه یا اثنا عشریه اند. امام دوازدهم امام غائب "محمد الهمدی" است که گویا در سامرا، به سال 260 هجری، 873 م، از دیدگان مردم مخفی شد. اسماعیلیان نیز به دو گروه تقسیم شدند: گروهی که میگویند اسماعیل پیش از پدر نمرده است و پدرش او را پس از خود به امام برگزیده است، و اسماعیل قائم و مهدی منتظر است که برای نجات امت خودباز خواهد گشت. دسته دیگری می گویند، امامت بعد از امام جعفر صادق و مهدی به محمد بن اسماعیل رسید، زیرا بعد از حسن و حسین، دیگر امامت از برادر به برادر منتقل نمی شود، بلکه در نسل فرزند، باقی می ماند. این گروه را مبارکیه گویند که قرمطیان به آنان منسوبند. اینان معتقدند که محمد بن اسماعیل نمرده است و او قائم است و مهدی و خاتم پیامبران است.

**نظام و تشکیلات اسماعیلیه:** در تاریخ اسلام و در تاریخ عمومی، به گمان اغلب - هیچ جماعتی نیست که به اندازه اسماعیلیان در باره آن اختلاف نظریات و بینش وجود داشته باشد. و یا هم اینکه سده های چندی را طی کرده و تخت هایی را سرنگون کرده و دولت ها را پدید آورده است، هنوز تاریخ این فرقه، آئین و کیش، آنگونه که لازم است در اذهان برخی از بینشمندان، تاریخ نگاران و مسلمانان جانبدار، در پرده ابهام باقی مانده است. آنچه این ابهام را به وجود آورده است، علل ناهمگون شاید وجود داشته باشند، اما دو علل خیلی ها روشن و واضح هستند که میتوان: شیعه بودن آنها است که تاریخ نگاران میخواهند آن را در روشنایی مذهب سیاسی علوی این فرقه تحلیل کنند. و حال آنکه تشیع اسماعیلیه، در نظر برخی ها و حتی اکثریت ها وسیله است و نه غایت و این دارای حقیقت نیز است زیرا هر کسی هر پدیده ای را

بر بنیاد منافع خودی مورد بررسی قرار داده و همواره قرار خواهد داد. و دیگر اینکه، اسماعیلیه نیز، مانند سایر فرق که با حکومت عباسی مخالفت میورزیدند، همواره هجوم و ارباب بوده اند. از این رو کوشش های شان پنهان بود و جمعیت های سری تشکیل میدادند. و این امر موجب آن شد که دسته محدودی پی به حقیقت آن ببرند. و دشمنان شان، مانند بیشتر پیروان شان، آن را یکی از فرق شیعه بدانند که برای بازگردادن خلافت به صاحبان شرعی آن، فرزندان فاطمه دخت رسول خدا، تلاش میکنند.

با وجود قرابت روحی، سیاسی و اعتقادی که میان شیعه و اسماعیلیان شیعه امامی مسلمان وجود دارد، اگر نخواهیم اسماعیلیه را به جنبش اشتراکی بابکی ارتباط دهیم، شاید برخی ها در شناخت حقیقت آن دچار اشکال خواهند شد، زیرا جنبش بابکی، اگر به عنوان یک نیروی مسلح منظم از بین رفت، ولی همواره به عنوان یک فکر، که راه خود را در میان مردم کشود و یاران و پیروانی در زیر پرچم خود گرد می آورد، باقی ماند. شاید هم یکی از دلایل شکست بابک این بود که حوزه دعوت او، از یک حوزه اقلیمی تجاوز نکرد و تنها در میان گروهی از مردم که در کوه های آذربایجان سکونت داشتند، یعنی تنها قبایل ایرانی، نفوذ داشت و در میان اعراب که اکثر بلاد های دنیا سروری داشتند، و ترک و بربر که به اصطلاح حافظ، " ماده اسلام و سپاه منظم آن " بودند رخنه نکرده بود. اما اسماعیلیه از همان آغاز میخواستند که آئین شان همگانی باشد، و توانستند غالب و مغلوب دین داران آزاد فکر و اندیشمند و جزمگرایان همه طوایف و دسته ها را گرد هم بیاورند و یک جا سازند. عبدالله میمون افکار دهشت انگیز و عجیب و جسورانه داشت که به پایمردی هوش سرشار و چابکی شگفت انگیز و مردم شناسی ژرف خود توانست به آنها تحقق بخشد. دیدیم که واژه اسماعیلیه، که در آغاز امر، بر برخی از فرق معتدل و میانه رو شیعه دلالت میکرد، بخاطر اخذ قدرت از خلفای عباسی به پیش رفت و الی اخیر رزمید. برخی از اصول اجتماعی که اسماعیلیه از اصحاب بابک و مزدک گرفتند، از این قرار است:

- مساوات میان مرد و زن.
- ابطال ملکیت زمین و تقسیم آن بطور رایگان و عادلانه میان نیازمندان به آن.

- مبارزه با جزمگرایی و عصبیت مذهبی و عقیدتی و نشر افکار برادری میان همه مردم با وجود اختلاف در نژاد، ملیت، زبان، قوم و طرز بینش و فکر آنها.

بنا بر این برخی را عقیده و باور بر این است که ظهور اسماعیلیه رد عملی بود در برابر دسته شعوبیه، اگر چه بغدادی میگوید: "شعوبیان به کیش و آئین اسماعیلیسم وارد شدند و به یاری آنها برخاستند"، ولی این همکاری به آن سبب بود که شعوبیان و اسماعیلیان هر دو، با دولت حاکم و تعصب عربی دشمنی می ورزیدند. از این رو پهلو به پهلو پیش رفتند، و بدون آنکه با هم ممزوج شوند یا تصادم کنند. اسماعیلیان نخست در خفا عمل میکردند و سازمان های مخفی تأسیس کردند. از این جمعیت ها یکی هم جمعیت اخوان الصفا بود که به شیوه جمعیت های فیثاغوری عمل می نمود. و کسی از اسرار این جمعیتها- جز بزرگان قوم که با پیشوایان نهضت تقرب داشتند و مراحل هفتگانه را پیموده و به آخرین مرحله رسیده بودند، آگاهی نداشت. اسماعیلیه در آن زمان یک جمعیت سری بود که دارای مبادی سیاسی، اجتماعی، فلسفی و عقلانی، متصف به آزادی دینی و تمایلات عقلانی. اسماعیلیان به امام معصوم باور مند هستند، این امام معصوم رانصیرالدین طوسی "نورهدایت"، و "قنديل عزت صمدی"، و "شخص معرفت و محبت"، می خواند.

تصور و بینش حدود دین در میان اسماعیلان بدخشان:

**اول ناطق:** درعالم ظاهر ازدیدگاه مناطق کسی است که ازطرف خداونداجازه نطق وتبلیغ رسالت رادریافت کرده باشد.

**دوم اساس:** این رتبه روحانیت یک مذهب درجه رفیع است که ناطق(پیغمبر) آنرا به بهترین مصدقترین وکاملترین آل خویش تفویض مینماید، وبعد ازپیغمبر(ص) مرتبه ولایت رادارامیباشد.

**سوم امام:** دردرجه سوم امام (ع) قراردارد.وامام درهر روزگارپیشوای برحق ورهنمای تام الاختیار بشر است. درقرآنکریم خداوندمیفرماید: "فرامیخوانم هرگروهی رابامام زمانشان درروز باز پرس."

**چهارم حجت:** ازمعنی این واژه هویداست،حجت یعنی گواه،دلیل برهان. معلوم تصدیقی که موصل بمجهول تصدیقی باشد مانند عالم متغیر است. و هر متغیر حادث



است - که موصل اند پس عالم حادث است . حجت خود بر سه قسم است : قیاس استقراء تمثیل . یا حجت اقناعی . حجتی است که مفید گمان باشد نه یقین و مقصود از آن گمان بمقصود باشد مانند متواترات و غیره که قیاس خطابی است . یا حجت الزامی . مرکب از مقدمات مسلم . نزد خصم است که مقصود از آن اسکات و الزام خصم باشد یا حجت قطعی . حجتی است که مفید یقین باشد و مقصود از اقام . آن رسیدن بنتیج . قطعی باشد یا حجت حق بر خلق . انسان کامل حجت مرتبه چهارم پس از امام زمان است . وقسمیکه ازتعریف فوق استنباط گردید ، حجت کسی است که امام اوراجهت ارشادات معنوی ماموربرای تبلیغ وکامل ساختن دین میفرستند وایشان مسؤلیت تبلیغ درمیان مردم را دارند . مثال حضرت حسن صباح (حجت اعظم) و حضرت ناصر خسرو (حجت جزایر) بودند .

**حجت اعظم :** اعظم در لغت بمعنی بزرگتر ، بزرگوارتر ، اعظم جمع آن است . در باورهای ماسماعیلیان حجت اعظم صلایت دینی بیشتری را برعهده داشته است و چند حجت جزایر از حجت اعظم دستور پذیر بوده و او امر آنرا در بین جماعت ارشاد میفرموده اند حجت اعظم از ارتباط مستقیم با امام زمان برخوردار بوده است .

**حجت جزایر :** در گذشته هامحدوده اسلام به چندین جزایر تقسیم بوده که یکی از آنها جزیره خراسان است . حجت جزایر مسؤل تبلیغ و ارشادات دین در میان مسلمین بوده است .

**پنجم معلم صادق :** معلمین صادق کسانی بوده اند که نزد حجت از علم معرفت سیراب گردیده و آنرا در بین مردم تبلیغ مینموده اند . در زمان حضرت ناصر خسرو یکی از جمله مشهورترین معلم سید سهراب ولی بوده است . مردم بدخشان بنام وکلام این بزرگ مردان دیشمند آشنایی کامل دارند .

**ششم داعی :** دعاکننده ، طلبکننده ، خواهنده ، به دین دعوت کردن این مرتبه رفیع است که از طرف حجت به شخص و یا اشخاص تفویض میگردد . و او اجازه تبلیغ در بین مردم به دین خویش را دارد . کسی که متحقق شده باشد بمعرفت علم دین و اداره امور دینی مردم رانجام دهد و انسجام بخشد ، داعی است .

**ماذون ( ماذون اکبر و ماذون اصغر )**، اذن داده شده اجازت دستوری داده یکی از مراتب روحانی ماسماعیلیان و پایین تر از داعی و بالاتر از مستجب است. این شخص ویا اشخاص بنا بر دستور داعی امرارشات و تبلیغ و اجرای مناسک دینی را در بین جماعت اسماعیله دارامیباشند.

**هفتم مستجب:** در لغت بمعنی جواب داده شده. یعنی کسی نیاز داشته باشد به دریافت جواب سوالات خویش. قشر عظیم از جماعت اسماعیلیه رامستجب تشکیل میدهد. در گذشته بنا بر ظلم و ستم دهریان بر جماعت اسماعیلیه، برای مستجب امر شده بود که باید مثل گوش عمل نمایند اگر چیزی رامیشنوندن باید بروزه دیگری بدهند. هدف ازین امر این بود اگر با کسی غیر اسماعیلی بحث نمایند، حتما از عده این امر بیرون برآمده نمیتوانند، بنا برین اجازه انتقال ارشادات معنوی مذهبی رابه دیگری نداشتند. مستجب زیرک: تعریف این کلمه در مذهب اسماعیلی اینست، کسانی که پژوهش میکنند و از علم الهی بهره مند میشوند بنام مستجب زیرک یاد میشوند. و این مستجبین میتوانند با داعی و ماذون داخل مکالمه گردیده و حل تکلیف کنند ولی اجازه تبلیغ رابخاطر سلسله مراتب مذهبی ندارند. با جهد میتوانند به مرتبه ماذون برسند.

## دیدانداز تاریخی اسماعیلیان بدخشان افغانستان

مادامی که انسان به مثابه نخستین هستی نمادین آفرینش یزدانی و پدیده معقول فلسفی پا به عرصه وجود گذاشت و به یک مرحله معین از پختگی جسمی، فکری، عقیدتی و اخلاقی رسید، همواره با چالش های نا همگون زندگی مادی و معنوی روبرو شد. به منظور حل این همه پرسش ها و ارایه پاسخ عقلانی به آنها، بجای آنکه به بینش توحید و یکتا پرستی رجوع کند، با عقاید و باور های مختلف و تصورات متعدد به شمول پرستش اجرام سماوی زمینی، منابع و سرچشمه های نافع و بهره ده، ابحار، اشجار و جانوران قوی هیکل، سردچار گردید و با هر کدام با نظر داشت اثرات مثبت و منفی آنها بر زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و عقیدتی، اهمیتی را قایل می شدند، و حل دشواری های زندگی روزوار خود را که ساخته و بافته دست و دماغ و محیط پیرامون اش بود، در وجود هستی آنها مورد بررسی قرار میداد، در صورتیکه می بایست بداند

که قدرت آنها در برابر نیروی یزدانی و عقلانی نهایت ناچیز و قابل تسخیر است. انسان ها بعضاً از زندگی شاکي بودند، و برای اینکه از دشواری ها رها یابند باید به نیروی خارق العاده ای رجوع می نمودند و بربنیاد صلاحیت و ظرفیت عقلانی شان، برای خود و دنیای باور و عقیده خویش محیط مناسب ای را می ساختند که تنها محصول تصورات و بینش ذهنی شان بود و سهم عقلانی در آن کمتر به مشاهده میرسید و هر یک تعبیر، تفسیر و تصور خودی پیرامون آفریدگار شان را داشتند. حتی زمانی هم بود که انسان از اینکه پا به عرصه وجود گذاشته بود، در برابر این موهبت یزدانی نا سپاسی میکرد و از آمدن خود به در این دینای مملو از تلاطم و لی دانشگاه عقلانی و انسانی نادم بوده و بیان میکرد که چقدر در کتم عدم آسوده بودم و در فردوس برین قرار داشتم که اکنون در این کائنات دشوار آفرین و دوزخ و برزخ گونه، با چالش های فراوان دست و پنجه نرم میکنم.

**آغاز ورود اسماعیلیه به بدخشان افغانستان :** این خود یک واقعیت مسلم است که حضور اسماعیلیه در افغانستان تاریخ بلندی دارد. طبق روایاتی، امام محمد بن اسماعیل فرزند امام اسماعیل پس از وفات امام جعفر صادق (ع) مکه را به علت اینکه عباسیان متعهد گردیده بودند که وی را به شهادت برسانند از این رو ناگزیر بشکل بسیار سری و مخفیانه مکه را به سوی ری ترک گفت زیرا در آنجا از قبل جامعه کوچک شیعی وجود داشت و امام در آنجا بطور سری به فعالیت ها یش ادامه داد . وی تعدادی ازداعیان خود را به قندهار، هرات ، هند و سند برای تبلیغ کیش اسماعیلی اعزام نمود. بنا بر نقل دیگر، زمانی که امام محمد بن اسماعیل درری و دماوند (یا **نهاوند**) به سر می برده است او موفق به دعوت اسحاق بن عباس الفارسی حاکم ری به کیش اسماعیلی گردیده بود که بعدها زمام امور دعوت درری نیز به عده او گذاشته شده بود. این نیز قابل ذکر است که اسحاق خواهرش فاطمه بنت عباس الفارسی را به عقد امام محمد بن اسماعیل درآورده بود، اسحاق که ازجانب عباسیان به حیث حاکم در ری مقرر گردیده بود هارون الرشید خلیفه عباسی به او نامه فرستاد تا امام را دستگیرنموده و به حضور او در بغداد بفرستد زیرا او ازجانب جاسوس هایش اطلاع یافته بود که امام محمد بن اسماعیل درایالت ری بصورت بسیار آزادانه فعالیت می نماید اما اسحاق

الفارسی از امرهارون الرشید سربازمی زند و هارون الرشید با شنیدن این خبر یک دسته از سپاهیان را برای دستگیری اسحاق و امام به ری فرستاد. سپاهیان عباسی اسحاق را دستگیر نمودند و وی بلاخره در اثر شکنجه های شدید سپاهیان عباسی فوت نمود، اما امام محمد بن اسماعیل که توسط اسحاق از این موضوع اطلاع یافته بود به نیشاپور و فرغانه، در تاجیکستان کنونی، می رود و در آنجا به دعوتش ادامه میدهد و قاضی شمس الدین را برای تبلیغ به هرات و مناطق همجوار آن میفرستند. در قرن سوم، ناحیه ری تقریباً پایگاه مرکزی دعوت اسماعیلی در منطقه جبال بود. در آن زمان یکی از فقهای اهل سنت به نام زعفرانی، مردم ری را بر ضد دعوت اسماعیلیه شوراند و غیاث رهبر دعوت اسماعیلیه در ری را مجبور به فرار به طرف خراسان کرد. به گفته خواجه نظام الملک در سیاستنامه، «این غیاث که از ری بگریخته بود و به خراسان شده، به مرو مقام گرفت و در آن جا امیرحسین علی مروزی را دعوت کرد و اجابت یافت». غیاث در حدود سال 280 هجری به مرو الرود (بالا مرغاب امروز در شمال افغانستان) رفت و امیرحسین بن علی مروزی را به کیش اسماعیلی درآورد. بسیاری از مردم در نواحی مجاور مرو الرود (طالقان افغانستان)، فاریاب، هرات، غور و غرجستان) نیز بر اثر نفوذ این امیر قدرتمند که بعدها خود یکی از داعیان اسماعیلی شد، بدین مذهب گرویدند، شروع و آغاز تاریخ اسماعیلیه در افغانستان را در این زمان دانسته اند. امیرحسین بن علی مروزی که از امیران و صاحب منصبان مهم دستگاه سامانی بود، از سال 307 تا 312 ق به عنوان داعی اسماعیلی در خراسان فعالیت می کند و پایگاه دعوت را از نیشابور به مرو الرود منتقل می نماید. فعالیت اسماعیلیه در غور و غرجستان (در مرکز افغانستان کنونی) نیز در پایان قرن سوم هجری و در زمان حکومت امیر اسماعیل سامانی به وسیله فردی به نام ابوبلال اوج می گیرد که با سرکوب و عکس العمل سریع و شدید وی مواجه می شود. اگرچه اسماعیلیان با سرکوب شدید امیر اسماعیل سامانی مواجه گشتند و حسین مروزی نیز به دستور امیر نصر سامانی دستگیر و زندانی شد، جنبش اسماعیلیه در مناطق یاد شده نه تنها از بین نرفت، بلکه بر اثر تلاش دانشمند بزرگ و داعی مشهور اسماعیلی احمد نسفی، جانشین حسین مروزی، در خراسان و ماوراء النهر گسترش یافت؛ تا اینکه به

دربار سامانیان وارد شد و حتی امیر نصر سامانی خود نیز دعوت اسماعیلیان را پذیرفت.

**پس منظر تاریخی ناحیه شغنان :** مناطق مرزی ولایت بدخشان در فرآیند زمانی همواره دارای نظام های واحد و مرکزی نبوده و اغلباً توسط شاهزاده ها، امیر ها و حاکمان دود مانهای نا مگون تباری، مورد حکم روایی قرار گرفته اند. این مناطق الی رسیدن اعراب به این سرزمین، حایز اکمیت های مستقل شاهزاده نشینی بوده اند. شغنان مانند وا خان، اشکاشم و درواز منطقه ای است که خط مرزی میان پا میر ( پای میر، پای مهر)، بدخشان افغانستان و تاجیکستان را تشکیل میدهد، که در نتیجه مساعی مشترک مذبحانه امپریالیسم انگلیس و روسیه تزاری آن زمان، در سال **1896م**، به دو قسمت انقسام گردید که یک بخش آن به پا میر تاجیکستان و قسمت دیگری به پا میر بدخشان افغانستان که هر دو ناحیه را به نام بدخشان کوهستانی یاد می نمایند، تعلق گرفت و مردمان این منطقه را که همواره دارای مشترکات تاریخی، فرهنگی، زبانی، و باور های دینی بوده اند، از هم جدا ساخته و سیاست جدایی ملت ها را که شعار همیشگی شان در امر پیاده سازی پالیسی های استعمار گرایانه و سود جویانه بوده است، مورد تطبیق و تدقیق قرار دادند. دسته محدودی از پژوهشگران، دانشمندان، زبان شناس ها، تاریخ نگاران، جهانگرد ها و شخصیت های فرهیخته ملی و بین المللی، در مورد شغنان قلم فرسایی نموده اند، و اگر چیزی را هم به نگارش گرفته اند، خود تحقیق مستند اکادمیک نبوده و تنها روی پیشبینی ها، پیشداوری ها، تصورات و و اندیشه های خودی که زمان و مکان در اختیار آنها قرار داده است، ارقام نموده اند بدون تردید از اهمیت ویژه ای در راستای بازتاب تاریخ و معارف مردمان آن مرز و بوم، برخوردار است. از جغرافیای سیاسی و تاریخی این منطقه مبنی بر پژوهشهای تقریباً مستند زمانی برخی از پژوهشگران چنین بر می آید که منطقه شغنان از زمانه های نهایت کهن و باستان به همین نام یاد شده است، و لی آنچه که مربوط به ژرفای تاریخ آن میشود، تا هنوز به وضاحت چندانیه یافته است. در منابع کهن چینی و اسلامی برای نواحی جنوب غربی تاجیکستان نام ختلان (یعنی منطقه فرمانروایی خود مختار و مستقل) و برای نواحی جنوب شرقی آن نام شغنان (به ظاهر شا غنان، زاغه نیان یعنی

دارندگان مساکن زیرزمینی یا دارندگان منزلگاههای زیر زمینی شبگاهی، به چینی شه نی یا شه کی نی) آورده اند. ولی محققین جغرافیای تاریخی در این باب متوجه معانی لفظی ساده این دو نام نشده اند و برای آنها معنی لفظی خاصی نیاورده اند. برای معانی لفظی که نگارنده برای این اسامی تعیین نموده است، یک اسطوره شغنانی محلی معروف گواه صادقی است و آن مطلبی است از مقاله ولایت شغنان در وبلاگ جیحون بدین قرار آمده است: شخصی اساطیری به نام شیخ خاموش (ساکت، آرام و آسوده) به شغنان رفت و مردم را به دین اسلام دعوت نمود و در آنجا وفات کرد. شاهان متأخر شغنان خود را از نوادگان شاه خاموش میدانند. در تأیید این معنی لفظی شغنان، شاخدره شاخدره کنونی، نگارش تاریخ نامه چینی تانگ شو را در دست داریم که در باب این ولایت می گوید: "در سرمای آنجا (یعنی کشور شه کی نی، که سوز سرمای مردم را ناچار به استفاده از گرمای طبیعی داخل غارهای مصنوعی و طبیعی می نموده است) هیچگونه غله به بار نمی آید. بومیان آن نا اهلان اند و معمولاً به کاروانهای کالا که برای گذشتن از چهار گردنه به پومی (پامیر) می رسند، تاخته و غارت می کنند .

**افغانستان و آغاز فصل نو برای اسماعیلیان : سقوط طالبان و روی کار آمدن دولت انتقالی اسلامی در افغانستان، به تمام مردم این کشور، از جمله اسماعیلیان، فرصت داد تا نفسی تازه کنند و به امید فردای بهتر بنشینند. اوضاع از جهاتی شکننده می نماید، اما همین فضای نسبتاً آزاد در مدت شش سال و نیم پس از سرنگونی طالبان، مجال تحرک دوباره برای بسیاری از شهروندان، فرهنگیان و گروه های گوناگون این کشور را فراهم نمود. اسماعیلیان این مرز و بوم نیز در این مدت آشکارا جانی تازه گرفتند و به تکاپو برای بهبود اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - مذهبی خویش افتادند. در پاییز سال 1381، آقاخان چهارم چهیل نهمین امام اسماعیلیان در کابل و بدخشان به بازدید از پیروان خود شتافت و پس از چند سال محرومیت اسماعیلیان افغانستان از دیدار او، پیروان افغانی اش به استقبال او رفتند. آقاخان چهارم در این سفر با حامد کرزای، رئیس دولت انتقالی افغانستان، و سایر دولتمردان در کابل نیز دیدار کرد و از آن ها وعده همکاری با پیروانش را دریافت نمود و متقابلاً خود وعده همکاری با**

دولت کابل در پروژه‌های بازسازی این کشور را سپرد. **در 22 آذر سال 1381**، شصت و ششمین سالگرد تولد شهزاده کریم آغاخان چهل نهمین امام اسماعیلیان از سوی اسماعیلیان افغانستان در شهر کابل در مسجد جامع اسماعیلیان این شهر **(جماعت خانه)** گرامی داشته شد. در مراسم بزرگداشت ازسال تولد آغاخان، عده کثیری از اراکین دولتی علما ودانشمندان و سطح رهبری اسماعیلیان افغانستان، سخنرانی نمودند و بر لزوم رعایت حقوق اقلیت های مذهبی در قانون اساسی جدید تأکید کرد است و درشرایط فعلی نسبتا وضعیت مردم اسماعیلی خوب است تعصبات رنگش را از دست داده است.

اسماعیلیان افغانستان را از دیدگاه موقعیت جغرافیای سیاسی، به دو دسته تقسیم نمود: دسته اول اسماعیلیانی که در منطقه پا میر بدخشان افغانستان زندگی بسر برده و پیرو سنت و رسوم تشریفات پیر ناصر خسرو هستند، که اکثریت شان در شهرستان های سرحدی ، جرم ، زیباک، اشکاشم، واخان، شغنان، روشن، درواز، درایم، و تا حدی هم در مناطق کزدی، وهلیچ، زردیو، و سایر مناطق، حیات بسر می برند. قرار معلومات و پژوهش برخی از افراد و شخصیت های پژوهشگر، به ویژه برون مرزی ها، تعداد اسماعیلیان بدخشان افغانستان را بیشتر از دو صد هزار تخمین نموده اند، که در حقیقت یک بر سه حصه ساکنان بدخشان را تشکیل دهنده است. قسمت دوم در واقعیت امر، اسماعیلیان مناطق مرکزی افغانستان هستند که ، ساحه کابل، بامیان، ارزگان، غور، سمنگان، وردک، بغلان، هرات ، کندز، تخار، و غیره زیست می نمایند. به گونه تخمین میتوان گفت که تعداد اسماعیلیان نقاط مرکزی افغانستان را صد، الی یک صد و پنجاه هزار تخمین زد. اسماعیلیان نقاط مرکزی افغانستان، دومین بزرگترین جماعت اسماعیلی افغانستان را تشکیل می دهند. اسماعیلیان بدخشان افغانستان، از نقطه نظر وابستگی جغرافیای سیاسی، قبل از انضمام شان به امارت ، امیر عبد الرحمان خان، با امارت بخارا وابستگی و ارتباط تشکیلاتی و حکومتی داشتند. این منطقه تا حدی دارای استقلال خودی بود، اما با آنهم با دنیای بیرون هیچگونه روابطی نداشت و تقریباً در حالت انزوا قرار داشت. و دسته سوم را اسماعیلیان آستان جلال آباد، دره نور، وکنر تشکیل میدهند که امروز اکثریت مطلق شان در کشور کانادا قرار دارند که تعداد شان به بیشتر از سه هزار

میرسد. باید گفت که رقم بزرگ شان در آستان کالگری، تورنتو، اتاوا، مانتریال و سایر آستان های خورد و ریزه حیات بسر می برند.

در زمان امیر عبد الرحمان خان، ( 1880 - 1901م ) ، بدخشان افغانستان استقلال و خود مختاری خویش را از دست داد. حکومت آنوقت، اسماعیلیان شغنان را در قیودات بی سابقه قرار داد و آنها را مجبور و مکلف ساخت، از پالیسی پر از تشنج و دشواری آفرین پیروی کنند. چون حالت دیگری نداشتند، و از جانبی هم در مناطق سرحدی بدخشان که اسماعیلیان زیست دارند، بخاطر نبود مساجد من حیث عبادت گاه ها، آن قدر مورد فشار قرار نمیگرفتند، ولی از دید گاه عملکرد بر طریقه و عقیده، به ویژه مراسم تشریفات مذهبی، در حالت تقیه قرار داشتند اما، از دیدگاه موقعیت جغرافیای سیاسی و موجودیت فیزیکی و نژاد تباری، همه آنها من حیث اسماعیلیان و وابسته به شاخه بزرگ شیعه، شناخته می شدند و مورد اذیت و آزار بی حد و حصر، قرار می گرفتند. در نتیجه فشار های ناهمگون، توهین و تحقیر حاکمان وقت، مردمان شغنان و روشن مجبور شدند به قیادت محرم بیک، که یکی از روشن زاده ها بود، قیامی را در سال 1925م، به کمک و یاری سایر شهروندان بر خلاف حاکمان امان الله خان (1919 - 1929م)، در شغنان و روشن، سازماندهی نمایند که تا حدی شاید خواننده های برگه موجود، از آن آگاهی دارند. بعد از حضور یابی نیرو های نظامی شوروی سابق در افغانستان، در سال 1978م، اسماعیلیان بدخشان به ویژه شغنان، اشکاشم، واخان، بخاطر تکاپوی زندگی بهتر و راحت تر، رژیم حاکم را که از حمایه شوروی بر خوردار بود، مورد حمایت و پشتیبانی قرار داده و تا حدی بدون در نظر داشت برخی از دشواری ها و کاستی های نظام و آفریده شده توسط برخی از افراد و اشخاص مخالف که تا حدی منافع شان را اعم از سیاسی و اجتماعی و اقتصادی شان را از دست داده بودند، از دیدگاه اجتماعی و سیاسی، به حالت بهتر و مطمئن تر، گام گذاشتند و اکثریت روشنفکران اسماعیلی شامل نظام اداری و دولت مداری و قیادت ولایت و ولسوالی ها گردیده و به سطح بالا تری نیز ایفای وظیفه می نمودند، و شناخت و روابط اجتماعی شان، نیز گسترده تر گردید. اسماعیلیان مناطق مرکزی ( هزاره ها )، اندوخته ها، چالش ها، و دگر گونی های دیگری در تاریخ معاصر اسماعیلیان آسیای مرکزی دارند. تاریخ موجودیت و



عملکرد آنها بر امور عقیده و باور های دینی، بیشتر با پیر ها و سید های کیان ارتباط گسست ناپذیر دارد. با وصف آنکه پژوهش های سیستماتیک و منظم در زمینه تاریخ سید های کیان توسط بیرونی ها صورت نگرفته است، و برخی از افغانها و یا افراد جداگانه وابسته به جماعت آسیای جنوبی، اگر چیزی را هم به رشته تحریر در آورده اند، بعضاً روی برخی از عقده های قومی و تباری و یا هم معلومات دست دوم بوده که حقایق، واقعیت ها و ارقام درست را در این زمینه در اختیار نمی گذارد. بر بنیاد نظریات برخی از پژوهشگران، اظهار میشود که سر آغاز سید های کیان، به سلسله " سید های مدینه"، می رسد که در سده هجدهم به ایران کنونی آمده و پناهنده شده اند که در آن وقت سرکرده آنها در امور عقیدتی و قیادت، سید شاه سعدی بوده که یک زمانی با خانواده اش ایران را ترک گفته و در قسمت هزاره جات افغانستان مقیم شده اند. سید شاه سعدی، از شهرت خوبی در میان مردم منطقه و محل یاد شده بر خوردار گردیده و بخاطر داشتن صلاحیت و اختیار در علم و حکمت متداول آنزمان، طاعت و عبادت، و نیایش خالصانه، بی ریا، و متداوم به یک چهره و شخصیت قابل پذیرش در میان مردم محل و منطقه تبدیل می شود، و من حیث رهبر جمعیت خورد اسماعیلیان مقیم در هزاره جات، معروف و مشهور میشود. بدون تردید دعوت اسماعیلی در منطقه یاد شده، قبل از ورود سید ها، اشاعه یافته بود. در سال 1830م، یکی از جانشینان سید سعدی، به ایران سفر می کند تا با امام اسماعیلیان، امام حسن علی شاه، آقاخان اول، دیدار نماید و بعد از آن دیدار و حضور یابی با امام، لقب پیر اسماعیلیان افغانستان را کمایی می کند. موصوف همواره در دره کیان حیات بسر می برد، و واژه کیان یا سید های کیان و یا هم کیانی ها به آبا و اجداد او بر میگردد که به این نام و نشان در میان جمعیت مشهور و معروف گردیده اند. بعد از آن فرزند شان، شاه عبدالهادی، من حیث پیر، قیادت اسماعیلیان جمعیت هزاره جات و مناطق اطراف آن را بدوش می گیرد. سید های کیان در زمانه های مختلف، یکی پی دیگری به قیادت مردم میرسند و من حیث جانشینان " مشروع"، قیادت اسماعیلیان مناطق یاد شده را بدوش میگیرند. سید های کیان، هر کدام شان در سیاست های ملی و قومی دخیل بوده اند، و در حمایه برخی و مخالفت با بعضی ها، نقش های مختلف و ناهمگون و غیر متجانس داشته اند. با وصف آنکه بیرونی ها همواره روی وابستگی پیر

ها و پیروان آئین اسماعیلی جماعت بدخشان را به سید های کیان وابسته میدانند و آن را مورد بحث قرار میدهند، اما با آنهم مستند نیست، زیرا در این مدت زمان روابط میان پیرها و جماعت بدخشان و سایر جمعیت های خورد و ریزه دیگر مناطق مختلف افغانستان به نحو خیلی ها مبهم و نا مکشوف است. شاید هم یکی از دلایل، شرایط مسلط کوهستانی دشوار گذر مناطق کوهسار بدخشان، به شمول سایر مناطق پامیر زمین، و مناطق شمال و جنوب غرب کشور، توأم با مسایل سیاسی و اجتماعی و عقیدتی و تباری، نظام های حاکم در افغانستان باعث نبود روابط نزدیک و تا حدی هماهنگ میان اسماعیلیان مرکز و منطقه بدخشان، شده بود. و مسئله خیلی ها واضح در زمینه، پیروی از دو سنت جداگانه عقیدتی در راستای عملکرد بر طریقه و عقیده، که سنت پیر ناصر خسرو، و سیدنا حسن صباح می باشد، نیز باعث ایجاد فاصله ها میان این بخش گردیده است. می گویند که زمانی یک تن از پیر های کیان، موسوم به سید تیمور شاه، به مناطق بدخشان سفر نموده و با برخی از پیرها و شاهان شغان دید و وادید داشته و مسایل نا همگون را با آنها در میان گذاشته و سعی نموده است تا در راستای ایجاد روابط حسنه عقیدتی و اجتماعی، تأکید ورزیده و نقش مثبت خویش را در این زمینه بازی نموده است. می گویند که یکی از اهداف بازدید پیر سید تیمور شاه، به منطقه پامیر، و احتمالاً هرد وکنار دریای آمو، این بوده است تا روحانیون و شخصیت های با نفوذ منطقه را بر خلاف حاکمیت شوروی در منطقه تحریک نماید، و حمایه شان را بخاطر دفاع از امیر و پادشاه افغانستان در آن وقت، جلب نماید، زیرا سید های کیان بخاطر از بین رفتن یکی از اعضای خانواده شان در زمان روسیه تزار توسط روسها، در زمان حاکمیت امیر بخارا، با روس ها میانه خوبی نداشتند.

### پی نوشت ها :

- 1- تاریخ معاصر اسماعیلیان، فرهاد دفتری، لندن، ۲۰۱۱ م.
- 2- تعدد پسندی و جمع گرایی در اسلام، ذوالفقار هیرجی، لندن ۲۰۱۰ م.
- 3- اسلام چیست؟ منظور نعمانی، ترجمه: محمد ابراهیم تیموری، ۲۰۱۰ م.

- 4- اسلام در ایران، پتروشفسکا، ترجمه: کریم کشاورز
- 5- داکتر سرفراز نیازوف، چالش‌های نویسندگی در آسیای میانه، لندن، ۲۰۱۰م.
- 6- مواد برگرفته از سایت‌های شخصی
- 7- نوبختی، فرق‌الشیعه، ترجمه محمود جواد مشکور، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳ ه.ش.
- 8- فرهاد دفتری، تحقیقات اسماعیلی و اسماعیلیان نخستین، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
- 9- برناردل، بنیادهای کیش اسماعیلیان، ترجمه: ابوالقاسم سزّی، تهران، ۱۳۷۰، ص. ۸۱
- 10- سید کاظم روحانی، تحلیلی بر نهضت‌های سیاسی - دینی ایران، تهران، ۱۳۷۰، ص. ۶۹
- 11- برنارد لوئیس، فدائیان اسماعیلی، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران، ۱۳۷۱، صص. ۵-۷
- 12- مارکوپولو، ترجمه: حبیب‌الله، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰، صص. ۵۴-۵۱
- 13- فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران، ۱۳۷۵، ص. ۴۲۱
- 14- مارشال هاجسن: اسماعیلیان در تاریخ، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، ۱۳۶۳، ص. ۲۸۵
- 15- منوچهر ستوده، قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز، تهران، ۱۳۴۵، ص. ۹۷
- 16- عزیزالدین نسفی، "الانسان‌الکامل"، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران، ۱۳۷۱ ه.ش..
- 17- یوسف فضائی، اسماعیلیه و نهضت حسن صباح، تهران، عطائی، ۱۳۶۳، ص. ۹۱
- 18- عبدالرفیع حقیقت، جنبش‌های مذهبی ایران، ج. ۲، تهران، کوش، ۱۳۷۶، صص. ۸۵۷ - ۸۵۵
- 19- برنارد لوئیس، تاریخ اسماعیلیان، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران، ۱۳۶۲، ص. ۱۱۹
- 20- پتروشفسکی ایلیا پاولویچ، اسلام در ایران از هجرت تا پایان قرن نهم هجری، ترجمه: کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۳، ص. ۳۱۵
- 21- از جنبش مشروطه تا دولت در افغانستان، دوکتور اجرالدین حشمت، کانادا ۲۰۰۷م.
- 22- افغانستان در پنج قرن اخیر، محمد صدیق فرهنگ
- 23- افغانستان در مسیر تاریخ، مرحوم غلام محمد "غبار"
- 24- تاریخ قطغن، سرخ افسر
- 25- میرها و شاهان شغنان، مقاله‌ای از نگارنده
- 26- دانش‌نامه آریانا، مرکز مطالعات و پژوهش‌های آریانا

- 27- عارف فرهیخته و بیدلشناس معاصر، دکتور شمس‌الحق آریانفر
- 28- گفتمان و مکالمات انفرادی با دوستان و اقارب میرها و شاهان شغنان مقیم کانادا
- 29- امیر عبدالرحمن خان، شورش‌های سال‌های ۱۳۰۲-۱۳۰۰ ه.ش.
- 30 - یادداشت‌های حکومت روسیه تزاری در مورد کارکردهای امیر عبدالرحمن، در بخارا و ترکستان روسی (تاشکنت کنونی)، به زبان روسی
- 31- "منابع سنت چراغ‌روشن"، محمد شیرزادشا اف، و دیگران، دوشنبه، ۲۰۰۹ م.
- 32- متن "چراغ‌نامه"، طریقه‌بورد کانادا، ۲۰۱۰ م.
- 33- "چراغ‌روشن"، سنت جماعت آسیای مرکزی، (ممتار علی تاج‌الدین)، کراچی، ۲۰۰۰ م.
- 34- "شمالی علاقه‌جات میں اسماعیلی دعوت"، اردو، کراچی ۱۹۹۶ م.
- 35- تاریخ فلسفه در جهان اسلام، حنا لفاخوری، ترجمه، عبدالحمید آیتی، تهران ۱۳۷۳ م
36. محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص 152.
37. خوان الاخوان، ص 107؛ جهت مطالعه ر. ک: ابویعقوب سجستانی، کشف‌المحجوب، ص 6 - 12.
38. خوان الاخوان، ص 123 - 125 و نیز ر. ک: ایران و یمن سه رساله اسماعیلی، ص 51 - 53.
39. جامع‌الحکمتین، ص 44.
40. خواجه نصیرالدین طوسی، روضة‌التسلیم، ص 18.
41. جامع‌الحکمتین، ص 77 و نیز خوان الاخوان، ص 206 - 211.
42. زاد‌المسافرین، ص 196 و همچنین در صفحات 312 و 344 همین کتاب عجز عقل به گونه‌ای دیگر بیان شده است.
43. عارف تامر، اربع رسائل اسماعیلیه، ص 13. برای آگاهی بیشتر درباره مراتب دعوت اسماعیلی ر. ک: مارشال. گ. س. هاجسن، کتاب فرقه اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، ص 21.
44. محمدجواد مشکور، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، ص 228. جهت آگاهی بیشتر ر. ک: تامر، اربع رسائل اسماعیلیه، ص 48 و نیز ایران و یمن سه رساله اسماعیلی و رساله مبدأ و معاد از سیدنا الحسین بن علی، ص 112. منظور دکتور مشکور بیان توالی مقامات از پایین به بالاست بدون اشاره به این که بشر از راه سلوک تا کدامین مرتبه می‌تواند برسد و بی اشاره به این که از کدام پایه به بعد است که توجه الهی دستگیر و راهنمای اوست. پس باید توجه داشت که مقام وصایت و

- امامت و نبوت موهبتی است نه اکتسابی (جهت مطالعه ر.ک: اربع رسائل علمیه، ص 42 و 52 و 92).
45. ر. ک: بیست گفتار در مباحث علمی و کلامی و فرق اسلامی، ص 207. 35. همان، ص 274.
46. خوان الاخوان، ص 85 - 86 و نیز ر. ک: جامع الحکمتین، ص 290 - 291.
47. همان، ص 205 - 207؛ جهت مطالعه عقاید اسماعیلیه درباره برتری امام ر. ک: اربع رسائل اسماعیلیه، ص 55.
48. خواجه نصیر طوسی می نویسد: پیغمبران که از بهشت و دوزخ با اوصاف جسمانی خبر داده اند همه سخن هایی است بر حسب مقادیر عقول که برای ترغیب و ترهیب گفته اند تا عوام به آن، سوی طاعه میل کنند و از معصیت بپرهیزند.
49. آقانوری، علی؛ «اسماعیلیه و باطنی‌گری»، در کتاب اسماعیلیه (مجموعه مقالات)، چاپ اول، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۱.
50. حلبی، علی اصغر؛ تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، اساطیر، تهران، ۱۳۷۲.
51. دوبروین، یوهانس؛ شعر صوفیانه فارسی، مجدالدین کیوانی، مرکز، تهران، ۱۳۷۸.
52. راستگو، سید محمد؛ تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، سمت، تهران، ۱۳۶۷.
53. سجستانی، ابویعقوب؛ کشف المحجوب، تصحیح هنری کربین، طهوری، تهران، ۱۳۵۸.
54. شاکر، محمد کاظم؛ روشهای تأویل قرآن، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶.
55. شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ صور خیال در شعر فارسی، آگاه، تهران، ۱۳۶۶.
56. غزالی، محمد؛ فضاخ الباطنیه، تحقیق و مقدمه عبدالرحمن بدوی قاهره، ۱۳۸۳ق.
57. فروزانفر، بدیع الزمان؛ احادیث مثنوی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱.
58. محجوب، محمد جعفر؛ سبک خراسانی در شعر فارسی، فردوسی و جامی، تهران، ۱۳۴۵.
59. محقق، مهدی؛ تحلیل اشعار ناصر خسرو، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۸.
60. ناصر خسرو؛ جامع الحکمتین، تصحیح محمد معین و هنری کربین، تهران، طهوری، ۱۳۶۳.
61. دیوان ناصر خسرو، تصحیح مهدی محقق و مجتبی مینوی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۰.

- 62- ناصر خسرو قبادیانی؛ گشایش و رهایش، تصحیح سعید نفیسی، جامی، تهران، ۱۳۶۳
- 63- الولید، علی بن محمد؛ کتاب تاج العقاید و معدن الفوائد، تحقیق عارف تامر، بیروت، ۱۹۸۶م
- 64- هاتسبرگر، الیس.سی؛ ناصر خسرو لعل بدخشان، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، ۱۳۸۰
- 65- آدریس، عمادالدین الحسین، عیون الاخبار و فنون الآثار، (بیروت، دارالاندلس، 1986م).
- 66- بیهقی، خواجه ابوالفضل، تاریخ بیهقی، (انتشارات کتابخانه ی ایران مهر، 1358).
- 67- جرفاذقانی، ، ترجمه تاریخ یمینی، به اهتمام جعفر شعار (تهران، ، 1357).
- 68-، الموید فی الدین، دیوان الموید فی الدین، تصحیح محمد کامل حسین (قاہرہ، 1949م).
- 69 - فرای، ریچارد، ن، بخارا دستاورد قرون وسطی، ترجمه ی محمود محمودی (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1365).
- 70- فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ، (تهران، زوار، 1363).
- 71- فضل الله، رشیدالدین، جامع التواریخ، در باب تاریخ غزنویان، دیالمه، آل بویه، آل سامان، آل سلجوق، تصحیح احمد آتش (تهران، دنیای کتاب، 1362).
- 72- منهاج سراج، قاضی، طبقات ناصری، تصحی عبدالحی حبیبی (تهران، دنیای کتاب 1363).
- 73- نظام الملک، خواجه ابوعلی، سیسر الملوک (سیاست نامه)، تصحیح هیوبرت دارک (تهران، انتشارات علمی و فرهنگی 1364).

ادامه دارد